

چکیده

المَبْسُوطُ فِي فِقْهِ الْمَسَائِلِ الْمُعَاَصِرَةِ: الْمَسَائِلُ الطَّبِيَّةُ كِتَابِي دَرِبَارَه فِقْه پِزْشَكِي، این کتاب دو جلدی، حاصل جلسات درس خارج فقه پزشکی. تألیف محمد محمدی قائنی است که به مسائلی از جمله پیوند اعضا، تلقیح مصنوعی، در مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) و احکام درمان پرداخته است.

قائنی، از استادان درس خارج فقه و اصول فقه، و از جمله درس خارج فقه پزشکی در برخاسته و آن را اجتهاد در مقابل حوزه علمیه قم است. وی به مخالفت با فقه مقاصدی نص دانسته است. کتاب دو جلدی المَبْسُوطُ فِي فِقْهِ الْمَسَائِلِ الْمُعَاَصِرَةِ، تألیف محمد محمدی قائنی، که بخشی از آن درباره معاملات و بخش دیگر درباره مسائل پزشکی است، در بیستمین همایش کتاب سال حوزه در سال ۱۳۹۷ ش رتبه شایسته تقدیر را به دست آورد.

کتاب المَبْسُوطُ فِي فِقْهِ الْمَسَائِلِ الْمُعَاَصِرَةِ: الْمَسَائِلُ الطَّبِيَّةُ، در دو جلد انتشار یافته است که در یک بخش با عنوان مدخل، شش باب، و نیز بخشی با عنوان ملحقات سامان یافته و موضوعاتی از قبیل پیوند اعضا، احکام نطفه و بارداری، تلقیح مصنوعی، احکام درمان، عیوب زن و شوهر و همچنین شبیه‌سازی را مورد بحث قرار می‌دهد.

به‌باور محمد محمدی قائنی، احکام معاملات هم همانند احکام عبادات توقیفی است. وی بر آن است که اگر جنین برای مادر خطری اعم از قتل یا غیر همچنین درباره سقط جنین آن داشته باشد که سقط جنین به معنای دفاع از خود تلقی شود، سقط جایز است، حتی اگر روح در آن دمیده باشد. وی در این باره به دلایلی از جمله قاعده اضطرار، روایات دفاع از نفس و بناء عقلا اتکا کرده است.

ملاک مادر بودن از نظر قائنی، تولد فرزند از تخمک زن است؛ چرا که صرف استمرار وجود جنین در رحم منجر به صدق مادری نمی‌شود؛ در حالی که به نظر استاد وی، سید ابوالقاسم خویی، بر اساس آیه ظاهر، مادر کسی است که جنین در رحم او پرورش یافته است.

معرفی اجمالی

کتاب المَبْسُوطُ فِي فِقْهِ الْمَسَائِلِ الْمُعَاَصِرَةِ با عنوان فرعی المسائل الطبیة، کتابی است دو جلدی، جلد اول آن ۴۰۰ و جلد دوم ۷۲۸ صفحه، و حاصل جلسات درس خارج فقه در قم، که توسط مرکز مذکور آماده‌سازی و به زبان پزشکی در مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) عربی منتشر شده است.

[۱]. در مقالات علمی-پژوهشی متعددی به این کتاب ارجاع داده شده است

ترجمه فارسی کتاب، با عنوان «پژوهشی در مسائل فقه پزشکی»، در سال ۱۳۹۴ ش از سوی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) به چاپ رسیده است. مترجمان اثر به فارسی عبارتند

[۲]. از: احمد رخی، محمدعلی کریمی‌نیا و محمدعلی قاسمی

وجه نامگذاری این کتاب، شباهت آن به کتاب المبسوط شیخ طوسی است؛ چرا که انگیزه شیخ طوسی از نوشتن کتاب خود، پرداختن به مباحث غیرمنصوصی بوده است که اهل سنت بدان پرداخته بوده‌اند اما شیعیان به آن توجهی نکرده بودند (ج ۱، ص ۱۲)

نویسنده

و یکی از استادان درس خارج فقه و از شاگردان **میرزا جواد تبریزی محمد محمدی قائی** که در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ ش به تدریس هفتگی [۳] اصول فقه در حوزه علمیه قم است این [۴]. درس خارج فقه پزشکی برای طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم پرداخته است [۵]. درس در سال ۱۴۰۰ ش نیز ادامه یافته است

قائی [۶]. وی یکی از اعضای کمیته ده‌نفره اخلاق در پژوهش پژوهشگاه ابن‌سینا است [۷]. همچنین با حضور در نشست‌های تخصصی فقهی، به بیان نظرات خود می‌پردازد

پژوهش‌ها و تألیفات

تألیف کتاب دوجلدی المبسوط في فقه المسائل المعاصرة که بخشی از آن در باب معاملات و بخش دیگر درباره مسائل پزشکی است و بخش دوم با عنوان «پژوهشی در مسائل فقه پزشکی» در دو جلد به فارسی ترجمه شده است. این کتاب در بیستمین همایش کتاب سال حوزه در سال ۱۳۹۷ ش، در میان آثار علمی-پژوهشی در گروه فقه و [۸]. اصول فقه، رتبه شایسته تقدیر را به دست آورد

از محمد محمدی قائی، تعلیقه بر کتاب تبصرة المتعلمين في أحكام الدين، نوشته علامه و نیز تحقیق کتاب حدیثی الفصول المهمة في أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، [۹] حلی، نوشته حر عاملی، انتشار یافته است

ساختار و فهرست

کتاب در دو جلد، یک بخش با عنوان مدخل، شش باب، و نیز بخشی با عنوان ملحقات: سامان یافته است

جلد اول

تصدیر المركز الفقهي

مقدمة المؤلف

المدخل و فيه جهات (کلیات)

الجهة الاولى: توقيفية المعاملات كالعبادات (مطلب اول: توقیفی بودن معاملات)

الجهة الثانية: ضابطة المسألة المستحدثة وبيان أنواعها (مطلب دوم: ملاک مستحدثه بودن مسائل فقهی)

الجهة الثالثة: بحوث تمهيدية عامة للمسائل المستجدة (مطلب سوم: بحث‌های مقدماتی عمومی مسائل نوپدید)

الباب الأول: مسائل تتعلق بترقيع الأعضاء (بخش اول: مسائل پیوند اعضا)
المسألة الأولى: لا يجوز قطع عضو من الحى المحترم (قطع عضو انسان برای پیوند)
هل يجوز قطع عضو للترقيع من المهدور بقصاص أو رجم أو حد؟ (حكم پیوند عضو توسط جانی)

الباب الثانى: مسائل تتعلق بالنطفة والحمل وجملة من أحكامهما (بخش دوم: مسائل مربوط به نطفه و بارداری و احکام آنها)

الباب الثالث: مسائل فى التلقيح الصناعى (بخش سوم: باروری مصنوعی)

فهرس الموضوعات

:جلد دوم

مقدمة المؤلف (مقدمه مؤلف)

الباب الرابع: فى العلاج وما يرتبط به أو يتشعب عنه (بخش چهارم: درمان و فروع آن)

الباب الخامس: فى عيوب الزوجين والأمراض المستجده (بخش پنجم: عيوب زوجین و بیماری‌های جدید)

الباب السادس: فى الاستنساخ والاستتنام (بخش ششم: همزادسازی و شبیه‌سازی)
الملحقات (ملحقات)

فهرس الموضوعات

مبانی

نویسنده، در بخش المدخل (کلیات) کتاب خود، سه مورد از مبانی فقهی و اصولی خویش را بیان نموده است

توقیفی بودن معاملات مانند عبادات

قائنی بر این باور است که احکام معاملات هم همانند احکام عبادات توقیفی است، و در نتیجه بدون دستیابی به حکم از جانب شرع نمی‌توان صرفاً با اتکا به فهم عرفی به تبیین احکام آن پرداخت (ج ۱، ص ۱۵-۱۶)

ملاک مستحده بودن: نامعقول بودن در عصر تشريع

از نظر محمد قائنی، ملاک و ضابطه مستحده بودن یک موضوع آن است که وجود خارجی موضوع، در عصر تشريع معقول نباشد و بنابراین نتوان از شمول یا اطلاق نص درباره آن دست انسان به کسی که آن عضو را ندارد؛ چرا که چنین امری بحث کرد، از جمله پیوند در نظر مردمان عصر تشريع، قابل تصور و تحقق نبوده و از همین رو سؤالی در باب آن نیز طرح نشده است (ج ۱، ص ۱۹). وی مسائل مستحده را سه قسم می‌داند: ۱. اموری که

درباره آنها در عصر تشریع سؤالی نشده است، اما اگر سؤال می‌شد در همان عصر قابل تحقق بود، مثل نماز و روزه در مکان‌های خاص مثل قطب شمال و جنوب (ج ۱، ص ۲۰)، ۲. اموری که اگر به آنها توجه می‌شد هم برای مردم قابل تصور نبود، مثل پیوند اعضای انسان مرده به انسان زنده (ج ۱، ص ۲۰)، و ۳. اموری که در نصوص شرعی بیان شده است، اما فقیهان به آن توجهی نکرده‌اند، مثل جواز بی‌حس کردن عضو در هنگام اجرای شلاق یا مجازات دیگر برای عدم احساس درد (ج ۱، ص ۲۱).

حجیت عمومات برای مسائل مستحدثه

قائنی، با رد نظر کسانی که عمومات و اطلاقات را برای صدور احکام درباره مسائل جدید قاصر می‌دانند، به نقد دلایل آنان پرداخته و با بهره‌گیری از روایات، پنج وجه را در تأیید منظر خود بیان کرده است؛ از جمله روایاتی دال بر اینکه کتاب و سنت شامل تمام احکامی است که انسان‌ها تا روز قیامت بدان محتاجند (ج ۱، ص ۷۲-۸۷)، روایاتی مبنی بر اینکه احکام قرآن دائمی و متعلق به همه زمان‌ها و همه انسان‌ها است (ج ۱، ص ۸۷) و نیز تأکید فراوان معصومان (ع) بر نقل روایات و انتقال آنها به نسل‌های آینده (ج ۱، ص ۸۹).

مدعیات

جواز سقط جنین حتی بعد از دمیده شدن روح

به‌باور محمد محمدی قائنی، اگر جنین برای مادر خطری اعم از قتل یا غیر آن داشته باشد که سقط جنین به معنای دفاع از خود تلقی شود، حتی اگر روح در جنین دمیده شده آن جایز است (ج ۱، ص ۲۵۹-۲۶۱) باشد، سقط

دلایل

وی در این باره چند دلیل را ذکر کرده است:

اضطرار موجب حلال شدن محرمات می‌شود و این اصل اطلاق دارد، بنابراین اگر جنین خطری برای مادر داشته باشد، می‌توان آن را سقط کرد، و در این باره تفاوتی نمی‌کند که روح در جنین دمیده شده باشد یا نه (ج ۱، ص ۲۵۳).

با تکیه بر دو روایت درباره لزوم دفاع از نفس، سقط جنین نیز مصداق دفاع از مادر تلقی می‌شود (ج ۱، ص ۲۵۴-۲۵۵).

با تکیه بر بناء عقلا، دفاع از نفس و به تبع آن سقط جنینی که برای مادر خطر دارد، جایز می‌شود (ج ۱، ص ۲۵۹).

ملاک مادر بودن: تولد از تخمک زن، نه پرورش جنین در شکم

محمد محمدی قائنی در موضوع تلقیح مصنوعی، بر آن است که ملاک مادر بودن، تولد فرزند از تخمک زن است، و صرف پرورش کودک در شکم یک زن، منتهی به مادر بودن وی با استناد به نظر شرعی نمی‌شود (ج ۱، ص ۳۱۵). با این حال سید ابوالقاسم خویی

معتقد است که مادر، زنی است که جنین را در رحم خود پرورش داده [۱۰] آیه ظاهر، [۱۱]. است

دلایل

وی در این باره وجوهی را ذکر کرده است

اصل وجود و استمرار جنین در رحم زن، نمی‌تواند منجر به صدق تولد شود؛ چرا که این امر همانند شیر دادن به نوزاد است که زن شیرده را مادر نمی‌سازد (ج ۱، ص ۳۱۵)

فاصله و دور بودن جنین از مادر نیز به‌خودی‌خود نمی‌تواند معنای رابطه مادر و فرزندی را دچار اشکال کند (ج ۱، ص ۳۱۵)

قائنی در برابر کسانی که معنای کلمه «أم» یا «مادر» را مختص به وجهی می‌دانند که جنین در شکم وی رشد یافته باشد، گفته است که چنین دلیلی مردود است؛ چرا که آنچه زن را مادر و جنین را فرزند می‌کند، ترکیب نطفه مرد و تخمک زن است و اهمیتی ندارد که پس از این، جنین در چه محیطی پرورش پیدا می‌کند (ج ۱، ص ۳۱۵)

جواز درمان با محرمات در اضطرار

به باور قائنی، اگر درمان بیماری تنها با ارتکاب حرام ممکن باشد، چنین کاری جائز است؛ چرا که بنابر اصل اضطرار، هر حرامی در حالت اضطرار حلال می‌شود. با این حال وی ارتکاب محرماتی مانند تصرف در اموال دیگران یا قطع عضو دیگران برای درمان کسی را جایز نشمرده است. وی در این باره به اصل اضطرار تکیه کرده است (ج ۲، ص ۱۵-۱۶)

قائنی در این باره اشکالاتی را مطرح کرده و به آنها پاسخ گفته است؛ از جمله در پاسخ به اینکه خداوند متعال در حرام شفا قرار نداده است، ضمن نقل یازده روایت مرتبط با آن (ج ۲، ص ۱۶-۱۹)، روایات را مربوط به حالت عدم اضطرار معرفی می‌کند؛ چرا که همانطور که قاعده اضطرار بر دیگر دلایل احکام حکومت دارد، بر این روایات نیز حکومت خواهد داشت (ج ۲، ص ۱۹-۲۰)

مرگ مغزی احکام میت را به‌همراه نمی‌آورد

کسی که دچار مرگ مغزی شده است، میت شمرده نمی‌شود و احکام میت را ندارد

دلیل

به گفته قائنی، تا هنگامی که برخی از اعضای بدن انسان زنده‌اند، حتی اگر بقیه اعضا مرده باشند، نمی‌توان فرد را به‌طور مطلق میت شمرده؛ چرا که در نفی ماهیت حیات، همه افراد حیات باید نفی شده باشد. بنابراین تا زمانی که حیات و زندگی نباتی یا زندگی‌ای که اعضا را از فاسد شدن نگه می‌دارد برقرار است، از بین رفتن حیات و زندگی رخ نداده است (ج ۲، ص ۷۱۴)

وی با این حال معتقد است که از بین بردن حیات کسی که دچار مرگ مغزی شده و تنها حیات نباتی دارد، حکم قتل ندارد؛ چرا که از بین بردن حیات درختی یا نباتی، صدق قتل

نمی‌کند و بنابراین احکام قتل از جمله قصاص قاتل در این باره قابل اجرا نیست (ج ۲، ص ۷۱۵)

